



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۴ / شماره ۴ (پیاپی ۵۶) / زمستان ۱۴۰۴
صفحه ۵۶۳ تا ۵۸۲

شناسایی و مدلیابی عوامل موثر بر ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری مبتنی بر رهیافت ترکیبی تحلیل مضمون و حداقل مربعات جزئی

مینا دهقانی نازوانی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.
Dehghanimina92@gmail.com

هدی همتی

استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)
Hemmati.hoda@gmail.com

ندا فرحبخش

استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
Neda_farahbakhsh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی و مدلیابی ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری مبتنی بر رهیافت ترکیبی تحلیل مضمون و حداقل مربعات جزئی در SEM، است. در بخش کیفی این تحقیق، با استفاده از روش هدفمند قضاوتی، از نظرات ۱۷ نفر از خبرگان مرتبط با مبحث تحقیق در خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی، کمیته اقتصاد فرهنگ اتاق بازرگانی تهران و همچنین مدیران و سرمایه‌گذاران بازار فرهنگ و هنر کشور، استفاده شد. همچنین، در بخش آماری تحقیق و بر اساس فورمول نامعین کوکران، از نظرات ۳۸۴ نفر از کارشناسان مرتبط با مبحث تحقیق در کلیه پروژه‌های هنری سطح کشور استفاده گردید. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد که شامل شناسایی ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری از طریق مصاحبه و با استفاده از روش تحلیل تم و بررسی روابط، برازش و اعتبارسنجی مدل تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه و مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) است. نتایج تحقیق نشان داد، ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند. ریسک عوامل درونی پروژه هنری شامل ریسک تبدیل ایده به پروژه هنری، ریسک تعارض منافع بین خالقان پروژه های هنری و سرمایه‌گذاران، ریسک عدم شفافیت در قراردادهای پروژه هنری، ریسک کیفیت و منحصربه‌فرد بودن پروژه هنری، ریسک بازاریابی پروژه هنری، ریسک مدت زمان انجام پروژه هنری، ریسک نقدشوندگی پروژه هنری و ریسک عوامل خارجی پروژه هنری شامل، ریسک فرهنگی، ریسک اقتصاد کلان و ریسک مقررات و مسائل قانونی است.

واژه‌های کلیدی: ریسک تأمین مالی، تأمین مالی جمعی، هنر.

۱- مقدمه

بسیاری از کسب‌وکارها در مراحل مختلف حیات خود با چالش‌های متعدد در زمینه تأمین منابع مالی از طرف بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و حتی فرشتگان کسب‌وکار روبه‌رو می‌شوند (لیانگ و دیگران^۱، ۲۰۱۹). کسب‌وکارهای نوپا نیز گزینه‌های تأمین مالی محدودی دارند و روش‌های تأمین مالی سنتی، از قبیل آورده مالی شخصی کارآفرین نیز محدود است. همچنین، وام‌های بانکی اغلب به علت نداشتن وثیقه رد می‌شوند و تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر نیز فقط به تعداد معدودی از کسب‌وکارها که به پتانسیل تجاری‌سازی رسیده باشند تعلق می‌گیرد (المان و حرکس^۲، ۲۰۱۹). لذا، دسترسی محدود به سرمایه، کارآفرینان و کسب‌وکارها را ناگزیر کرده است تا به دنبال یافتن راه‌های جایگزین منابع مالی باشند (لیانگ و دیگران^۳، ۲۰۱۹). در این بین، کارآفرینان یا صاحبان پروژه که یک ایده دارند اما فاقد سرمایه هستند، یک فرصت جدید و یک منبع مالی جایگزین دارند: سرمایه‌گذاری جمعی (بلفلمه و دیگران^۴، ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاری جمعی، فرصتی است که فن‌آوری‌های دیجیتال پیشرفته به وجود می‌آورند. این پلت فرم‌های سرمایه‌گذاری جدید، به تازگی به عنوان یک بازیگر مهم و ابزار قدرتمند در بازارهای دیجیتال ظاهر شده‌اند که باعث نوآوری متحول‌کننده در زمینه تأمین مالی کارآفرینی می‌شوند (ماررنه و هازلتن^۵، ۲۰۱۹). صاحبان پروژه نیز از سرمایه‌گذاری جمعی استقبال می‌کنند، چراکه دسترسی مستقیم به بازار و فرصتی برای تأمین مالی پروژه‌های خود از طریق حامیان علاقه‌مند، برای آن‌ها فراهم می‌آورد (وردانینی و دیگران^۶، ۲۰۱۱). در واقع، مفهوم تأمین مالی جمعی به خودی خود مفهوم تازه و نوآورانه‌ای نیست؛ بلکه از گذشته وجود داشته است؛ اما آنچه در این مفهوم به عنوان یک نوآوری به حساب می‌آید، اجرای آن بر بستر وب خواهد بود؛ بستری که باعث تقویت کارکرد این رویکرد است (موتیلسکا-کوزما^۷، ۲۰۱۸). بنابراین، سرمایه‌گذاری جمعی یکی از مهم‌ترین نوآوری‌ها در جمع‌آوری پول توسط فناوری‌های اینترنت است و کارآفرینان، که به حمایت مالی نیاز دارند، فرصت تحقق پروژه‌های خود را از طریق جمع‌آوری سرمایه از طریق پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری جمعی پیدا می‌کنند (ازنب و دیگران، ۱۴۰۰).

پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری جمعی برای تمام کارآفرینان و کسب‌وکارها در بسیاری از زمینه‌ها و صنایع مختلف باز بوده و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این روش جمع‌آوری پول، همچنین بر نحوه جمع‌آوری پول توسط هنرمندان برای پروژه‌های هنری و فرهنگی، تأثیر گذاشته است. هنرمندانی که پروژه‌هایی را در زمینه هنر و فرهنگ مانند نقاشی، موسیقی، فیلم، کامیک^۸ و تئاتر، آماده می‌کنند نیز سعی می‌کنند از فرصت سرمایه‌گذاری جمعی بهره‌مند شوند (گورلر و کاگلر^۹، ۲۰۲۱). این در حالی است که به طور شگفتاوری، مبحث بکارگیری تأمین مالی

¹ Liang et al

² Ellman & Hurkens

³ Liang et al

⁴ Belleflamme et al

⁵ Marrone & Hazelton

⁶ Ordanini et al

⁷ Motylska-Kuzma

⁸ Comics

⁹ Gurler & caglar

در پروژه های هنری ایران، از جانب جامعه علمی نادیده گرفته شده است. این مورد، انگیزه اولیه برای این تحقیق را به وجود آورد، که در آن مبحث تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری، مورد بررسی قرار گیرد. برخی محققان تأکید دارند که تأمین مالی جمعی امروزه به یک گونه محبوب برای تأمین مالی در پروژه های هنری تبدیل شده است (لین و فیلیپس^۱، ۲۰۱۷). این موضوع نشان دهنده اقبالی مناسب از طرف مردم به این گونه مشارکت ها است و به نوعی خبر از ظرفیتی پنهان در مردم، برای مشارکت در این عرصه می دهد. با این وجود و در حالی که سرمایه گذاری جمعی یک جایگزین مهم و مفید برای جمع آوری پول در پروژه های هنری است؛ اطمینان از موفقیت پروژه هایی که قرار است در پلتفرم های سرمایه گذاری جمعی ارائه شوند یک فرآیند چالش برانگیز می باشد. در همین رابطه و با توجه به عملکرد کشورهای توسعه یافته در این حوزه، به این ماهیت جدید باید نگاه محتاطانه ای داشت. شاید بتوان دلایلی برای این دید محتاطانه برشمرد از جمله اینترنت محور بودن فرآیند تأمین مالی جمعی، عدم دسترسی مستقیم نهادهای نظارتی بر طرح ها و پروژه ها، امکان شکست طرح و پروژه و غیره. اما مجموعاً می توان اذعان داشت که دلیل اصلی این دید محتاطانه، وجود ریسک زیاد و پذیرش آن از سوی سرمایه گذار بوده است (حامدی، ۱۳۹۷). با این حال، مطالعات کافی وجود ندارد که ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری را بررسی کرده باشند. شاید به این دلیل که تأمین مالی برای پروژه های هنری ویژگی های خاصی دارد که آن را از سایر صنایع متمایز می کند. یکی از ویژگی های اساسی تأمین مالی پروژه های هنری، عدم قطعیت در بازده سرمایه گذاری است. به عنوان مثال، موفقیت یک پروژه هنری اغلب به اندازه سود آن در بازار قابل اندازه گیری نیست و ممکن است به عناصر فرهنگی، ارزش های ذهنی، یا تأثیرات اجتماعی تبدیل شود. بطور کلی، تأمین مالی پروژه های هنری توسط عدم قطعیت در بازده، وابستگی به حمایت عمومی و موارد غیر تجاری، تأثیرگذاری معیارهای اجتماعی و فرهنگی و مفهوم گسترده تر بازدهی به جوانب غیرمالی ویژگی های خاصی دارد که آن را از صنایع دیگر تفکیک می دهد.

با توجه به طرح مسئله ارائه شده در فوق، تأمین مالی جمعی امکان مناسبی است برای تأمین مالی پروژه های هنری که شاید در غالب دیگر ابزارهای بازار سرمایه، امکان تأمین مالی آنها میسر، نباشد. در این بین، آنچه باید بدان توجه کرد این است که نباید ظرفیت تأمین مالی جمعی را اغراق آمیز بیان کرد و همچنین نباید از ریسک های آن نیز غافل ماند. بنابراین، تحقیق حاضر با توجه به طرح موضوع ارائه شده در فوق، به موضوع ریسک تأمین مالی در پروژه های هنری خواهد پرداخت. هدف این تحقیق هدایت کارآفرینان و هنرمندان در مورد چگونگی موفقیت پروژه های هنری سرمایه گذاری جمعی با شناخت ریسک های موجود در جامعه ایرانی است. براساس این هدف، تحقیق حاضر با بررسی و جمع بندی دیدگاه های صاحب نظران، درصدد شناسایی ریسک های پروژه های هنری ایران است. در واقع، سؤال اصلی تحقیق این است، عوامل موثر بر ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری، کدام است؟

این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است. ابتدا، پیشینه نظری و تجربی را مورد بررسی قرار می دهد و ادبیات مربوط به مدیریت دانش را مستند به مطالعات قبلی، ارائه می دهد. دوم، روش شناسی مورد استفاده در این

¹ Lin & Phillips

تحقیق، به صورتی خلاصه بیان می‌گردد. سپس یافته‌ها را ارائه داده و در نهایت نتایج و پیامدهای عملی این تحقیق را مورد بحث قرار می‌دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش، به مبانی نظری و تجربی مربوط به مبحث تحقیق پرداخته شد. در حوزه ادبیات سرمایه‌گذاری جمعی، دو دسته عامل مهم وجود دارد که به شدت بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. یکی از این دسته‌ها مربوط به نظریه علامت‌دهی است که در پیش‌بینی موفقیت‌های مالی و کاهش عدم قطعیت در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مؤثر است (آهلرز و دیگران^۱، ۲۰۱۵). این نظریه به منظور غلبه بر عدم تقارن اطلاعاتی در تصمیمات سرمایه‌گذاری به کار می‌رود (کوننلی و دیگران^۲، ۲۰۱۱). سرمایه‌گذاران نیز عمدتاً به دنبال اطلاعات مالی مانند بازگشت سرمایه می‌باشند که این اطلاعات به عنوان انگیزه اصلی برای سرمایه‌گذاری ارائه می‌شود (ویسمارا^۳، ۲۰۱۹). دسته دیگر از عوامل مرتبط با نظریه‌های رفتاری تصمیم‌گیری هستند و به عنوان افشای اطلاعات ضروری مربوط به نوع شرکت‌های درگیر در کمپین‌ها، دانش در مورد مهارت‌های تیمی، ویژگی‌های بنیانگذاران، آموزش کارآفرینان، دریافت کمک‌های مالی، تامین مالی اولیه، ویژگی‌های محصول یا خدمات، روابط اجتماعی بازار و اندازه کمپین، مرتبط می‌شود (پیاوه و روسی-لاماسترا، ۲۰۱۸).

تاکنون، مطالعات کمی بر روی ریسک تامین مالی جمعی تمرکز کرده‌اند. به طور خاص، برخی از مطالعات اخیر، اهمیت محرک‌های درونی مانند تأثیر اعتماد و اندازه شرکت و همچنین اطلاعات مالی مربوط به بازگشت سرمایه را مورد بررسی قرار داده‌اند (واسیوزامان و دیگران^۴، ۲۰۲۱). ریسک از نظر تئوری به معنای احتمال انحراف از نیل به هدف مطلوب است. در تئوری ریسک، اصطلاحاتی نظیر عدم قطعیت یا نامشخص بودن وضعیت و شرایط عدم اطمینان از آینده نیز هم‌ارز با اصطلاح ریسک به کار می‌رود (والاسکووا و دیگران^۵، ۲۰۱۸). در همین رابطه و علی‌رغم بسیاری از مزایای ناشی از مشارکت در کمپین سرمایه‌گذاری جمعی، مطالعات تجربی نشان می‌دهند که بسیاری از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید به اهداف خود برای به دست آوردن ابزارهای مالی برای ایده‌های نوآورانه خود دست نمی‌یابند (ولکن و دیگران^۶، ۲۰۱۶). این شکست در تامین سرمایه در پلت فرم‌های سرمایه‌گذاری جمعی به طور قابل‌توجهی بر هزینه‌های یک پروژه هنری و شهرت عمومی فرد/شرکت صاحب‌کار، تأثیر می‌گذارد (رالچوا و روسنبوم^۷، ۲۰۲۰). از سویی دیگر، سرمایه‌گذاران در کمپین‌های سرمایه‌گذاری جمعی، تصمیمات خود را به طور مستقل، بدون حمایت واسطه‌های حرفه‌ای اتخاذ می‌کنند (مولی و دیگران^۸، ۲۰۲۰). اکثریت سرمایه‌گذاران گروهی افرادی هستند که تجربه حرفه‌ای ندارند و از دانش محدودی در مقایسه با سرمایه

¹ Ahlers et al

² Connelly et al

³ Vismara

⁴ Wasiuzzaman et al

⁵ Valaskova et al

⁶ Vulkan et al

⁷ Ralcheva & Roosenboom

⁸ Meoli et al

گذاران حرفه‌ای برخوردار هستند (آهلت و دیگران، ۲۰۱۵). به طور کلی، تصمیمات سرمایه گذاران جمعی تمایل به ساده‌سازی و متراکم کردن مقدار اطلاعاتی که در نظر می‌گیرند و ارزیابی می‌کنند، دارند (زگل و بلوک^۱، ۲۰۱۹). لذا، بنا به این دلایل، استدلال شده است که فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه گذاران، پیچیده و توأم با ریسک است و نیاز به پردازش اطلاعات افشا شده از طریق کمپین‌های سرمایه‌گذاری جمعی دیجیتال، دارد (روبینستین و سلانت^۲، ۲۰۰۶). در ادامه، برخی از مطالعات مرتبط با مبحث تحقیق خلاصه و ذکر شده‌اند (Error! Reference source not found):

تاجیک و یزدانی^۳ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی ارائه چارچوب تأمین مالی جمعی در صنعت فیلم‌سازی جمهوری اسلامی ایران پرداختند. نتایج نشان داد که چارچوب تأمین مالی جمعی مستخرج از پژوهش حاضر دربرگیرنده سه مرحله: قبل، حین و پس‌اسرمایه‌گذاری است. مرحله قبل سرمایه‌گذاری دربرگیرنده: عوامل مربوط به فرهنگ، عوامل مربوط به صنعت فیلم‌سازی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، محیط قانونی و حمایتی، زیرساخت فناوریانه و امکان‌سنجی اجرای طرح است. مرحله حین سرمایه‌گذاری دربرگیرنده: عوامل مربوط به پلتفرم و سایت‌های ارائه‌دهنده خدمات، مدیریت ریسک، توسعه و بهبود ارتباطات و بانک اطلاعاتی سرمایه‌گذاران است. مرحله پس‌اسرمایه‌گذاری دربرگیرنده: کنترل و نگهداشت سرمایه‌گذاران است. چو^۴ و دیگران (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی سیاست‌های جذب سرمایه در صنایع فرهنگی و خلاق: بازار سهام عمومی و کانال‌های تأمین مالی جمعی پرداختند. نتایج نشان داد که اثرات مشارکت در بازارهای سهام عمومی و تأمین مالی جمعی سهام بستگی به نوع زیرصنعت و اندازه شرکت دارد. شرکت‌های دارای محتوای دیجیتال از رسانه‌ها و شرکت‌های هنری و طراحی با ارزش بازار، فروش و درآمد خالص بالاتر عمل می‌کنند. همچنین شرکت‌های بزرگ صنایع فرهنگی و خلاق از بهبود صادرات و درآمد خالص نسبت به شرکت‌های کوچک و متوسط صنایع فرهنگی و خلاق سود بیشتری می‌برند. ایروانی و دیگران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به اولویت‌بندی ریسک ساختار تأمین مالی مطابق تئوری تصمیم احتمالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد ریسک رقابت در اولویت اول و ریسک عملیاتی آخرین اولویت قرار دارد. همچنین ترتیب ریسک‌های معرفی شده از نظر اهمیت به ترتیب ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی، ریسک نقدشوندگی، ریسک نقدینگی، ریسک توزیع درآمد، ریسک بازار، ریسک سیستماتیک می‌باشد. لازارو و نونان^۵ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به تحلیل مقایسه‌ای چارچوب‌های نظارتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تأمین مالی جمعی برای صنایع فرهنگی و خلاق انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که در مواجهه با کاهش بودجه دولتی و خصوصی، صنایع فرهنگی و خلاق به تأمین مالی جمعی متکی هستند. تأمین مالی جمعی هنوز یک بازار پراکنده و زیر پتانسیل است. همچنین، فقدان شفافیت و اعتماد تحت تأثیر چارچوب‌های نظارتی ملی قرار دارد. کیهانی^۶ و دیگران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی تأمین مالی جمعی تحت تأثیر کانادایی^۶ انجام دادند. در این مطالعه، با استفاده از

¹ Zaggi & Block

² Rubinstein & Salant

³ Tajik & Yazdani

⁴ Chou

⁵ Lazzaro and Noonan

⁶ Keyhani

داده‌های کمی و کیفی، یک تحلیل اکتشافی و توصیفی از پروژه‌های تئاتر کانادا در پلتفرم کیک‌استار^۱ ارائه شد. نتایج تجزیه و تحلیل این پلتفرم نشان داد که تأمین مالی جمعی تئاتر در کانادا به سمت تأمین مالی در مقیاس کوچک و در سطح معیشتی است، که می‌تواند تا حدودی مطابق با تردید سنتی در پذیرش کامل سودآوری در کارآفرینی هنری تلقی شود. همچنین، ارنس و دیگران^۲ (۲۰۱۵)، برای بررسی ریسک‌های مربوط به پلت فرم سرمایه‌گذاری جمعی سهام، چارچوب ریسک سیستم کاری برای طبقه‌بندی ریسک‌ها در عملیات و پروژه‌های سیستم‌های اطلاعاتی طراحی نمودند. این تحقیق ۳۳ نوع از عوامل ریسک را شناسایی می‌کند که در نه دسته دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی‌ها شامل ریسک‌های مربوط به: فعالیت‌های کاری؛ شرکت کنندگان؛ اطلاع‌فناوری‌ها؛ محصولات و خدمات؛ مشتریان؛ محیط؛ زیرساخت‌ها؛ و استراتژی‌هاست. چارچوب ریسک سیستم کاری در این تحقیق، برای کمک به مدیران سیستم‌های اطلاعاتی برای درک و دسته‌بندی تعداد زیادی از ریسک‌هایی که آن‌ها در زمان مدیریت، راه‌اندازی یا توسعه سیستم‌های اطلاعاتی با آن‌ها مواجه می‌شوند، طراحی شده‌است. استفاده از این چارچوب یک دیدگاه فنی محور و مدیریتی از ریسک‌های درگیر را فراهم می‌کند. این امر، هنگام در نظر گرفتن فعالیت‌های کارآفرینی مربوط به معاملات مالی، مانند سرمایه‌گذاری جمعی، کاربرد محدودی دارد. شویباچر^۳ در سال ۲۰۱۸، مدلی از ریسک‌پذیری کارآفرینی را در کمپین‌های سرمایه‌گذاری جمعی منتشر کرد. وی از فرضیات میکرواقتصادی برای مدل‌سازی سرمایه‌گذاری جمعی مبتنی بر پاداش همه یا هیچ چیز (قبل از خرید) استفاده کرد که ممکن است سرمایه‌گذاران را جذب کند و ایده‌های درگیر می‌توانند تکرار یا سرقت شوند. در این حوزه، در مورد ریسک عدم دستیابی به هدف سرمایه‌گذاری جمعی، دستیابی به هدف اما نداشتن بودجه کافی برای تولید پاداش و نیز ریسک داشتن مالکیت معنوی به سرقت‌رفته، بحث شد. در این مقاله، تغییر مقدار هدف برای کمپین به عنوان راهی برای جبران این ریسک‌ها، و همچنین تغییر میزان تلاش درگیر و جذب سرمایه‌گذاری در پایان کمپین مورد بحث قرار گرفته‌است. استک و دیگران^۴ در سال ۲۰۱۷، یک چارچوب مفید برای ارزیابی ریسک قانونی در سرمایه‌گذاری جمعی منتشر کردند. ایشان فرض کردند که در هر پلت فرم سرمایه‌گذاری جمعی، هم افراد خوش نیت و هم سرمایه‌گذاران بد نیت وجود دارند. محققین، از چهار نمونه برای نشان دادن چهار ترکیب مختلف از این چهار متغیر تقلب استفاده کردند. بدین‌صورت که کارآفرینان بد نیت که وجوه سرمایه‌گذاران خوش نیت را سرقت می‌کنند. سرقت مالکیت معنوی: سرمایه‌گذاران بد نیت مالکیت معنوی کارآفرینان خوش نیت را سرقت می‌کنند. پول شویی: سرمایه‌گذاران بد نیت که با کارآفرینان بد نیت کار می‌کنند. شکست در موفقیت: بسیاری از سرمایه‌گذاران خوش‌نیت در حمایت از کمپین یک کارآفرین خوش‌نیت که نمی‌توانند با مقیاس پروژه کنار بیایند. علاوه‌براین، تحقیقات قبلی تا حد زیادی نشان داده‌اند که شرکت‌های شرکت‌کننده در کمپین‌های سرمایه‌گذاری جمعی، نوبا هستند و با عدم قطعیت و ریسک بالا مواجه می‌شوند(شافی، ۲۰۲۱)؛؛ از این رو، فرآیند تصمیم‌گیری، به ویژه برای سرمایه‌گذاران بی‌تجربه، بسیار پر مخاطره

¹ Kickstarter

² Arenas et al

³ Schwienbacher

⁴ Stack et al

است. از سوی دیگر، سرمایه گذارانی که مشارکت می کنند با مقادیر کمی از حقوق صاحبان سهام مشارکت می کنند (بلفلمعه و دیگران^۱، ۲۰۱۴). آن ها اغلب در ارزیابی ریسک اعتباری و اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری غیر حرفه ای هستند، زیرا دارای توانایی ها و زمان ارزیابی دقیق اعتبار و عملکرد شرکت نیستند (کگروادیرا و دیگران^۲، ۲۰۱۹). این فقدان تخصص و عدم آشنایی با عوامل موثر بر ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری در میان سرمایه گذاران این پروژه ها، ممکن است بر توانایی آن ها در انجام اقدامات موثر تأثیر بگذارد. بر این اساس در تحقیق حاضر، اهداف زیر به جهت پر کردن شکاف تحقیقاتی مطروحه در فوق، تعریف گردید:

(۱) شناسایی ریسک های تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری

(۲) بررسی مدل اندازه گیری و الگوی ساختاری ریسک های تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی؛ به لحاظ روش استنتاج، توصیفی و به لحاظ ماهیت داده ها، آمیخته اکتشافی است. جامعه تحقیق در بخش کیفی پژوهش حاضر را کارشناسان و خبرگان مرتبط با محث تحقیق در خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی، کمیته اقتصاد فرهنگ اتاق بازرگانی تهران و همچنین مدیران و سرمایه گذاران بازار فرهنگ و هنر کشور، تشکیل دادند. این افراد در حوزه مربوط به مبحث پژوهش خبره بودند. روش انتخاب مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر، روش قضاوتی (بررسی توسط اعضا تیم تحقیق) است. به عبارت دیگر پژوهشگر از طیف افراد بالقوه، کسانی را انتخاب می کند که بتوانند در فرآیند گردآوری، خزانه داده های مورد نیاز را غنی نمایند تا امکان ساختن نظریه فراهم شود. در این روش به جای انتخاب یک نمونه ثابت، حجم نمونه آنقدر افزایش می یابد تا زمانی که دیگر کافی باشد (اشباع نظری). (بازرگان هرندی و دیگران، ۱۳۹۷). بر این اساس و با توجه به ماهیت روش نمونه گیری، در نهایت حجم نمونه این تحقیق براساس خبرگان در دسترس و متمایل به همکاری، ۱۷ نفر تعیین شد. همچنین، جامعه تحقیق در بخش کمی، شامل کلیه کارشناسان فعال در پروژه های هنری در سطح کشور بودند. حجم نمونه تصادفی در بخش کمی تحقیق نیز از فرمول کوکران (نامعین)، محاسبه و برابر حداقل ۳۸۴ نفر تخمین زده شد. با توجه به اینکه در روش تحقیق آمیخته اکتشافی، ابتدا از روش های تحقیق کیفی و سپس، روش های تحقیق کمی استفاده می شود، مراحل تحقیق حاضر به شیوه زیر انجام گرفته است:

بخش کیفی: در این بخش به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل بخش کیفی شناسایی ریسک های تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری، از ابزار مصاحبه و روش تحلیل تم (مضمون)، استفاده شد. پس از پیاده سازی مصاحبه ها، کدگذاری اولیه و ثانویه، انجام گرفت.

بخش کمی: با توجه به هدف و ماهیت موضوع تحقیق، مناسب ترین روش در مرحله کمی برای تحقیق حاضر روش تحقیق توصیفی - پیمایشی بود و لذا، برای به دست آوردن دیدگاه های خبرگان امر پیرامون اعتباریابی نتایج تحقیق (تعیین مدل اندازه گیری و الگوی ساختاری ریسک های تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری)، از این

¹ Belleflamme et al

² Kgoroadira et al

روش استفاده شد. در این بخش از تحقیق از ابزار پرسشنامه محقق ساخته برای گردآوری داده‌های کمی بهره گرفته شد، پرسشنامه بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از فرایند تحلیل تم، طراحی شد. برای تحلیل داده‌های کمی از روش حداقل مربعات جزئی (PLS)^۱ در SEM^۲ و در نرم‌افزاری به همین نام استفاده شد.

یافته‌ها

الف) شناسایی ریسک‌های تأمین مالی جمعی در پروژه‌های هنری

همانگونه که در بخش روش تحقیق ذکر شد، در تحقیق حاضر به منظور جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، از مصاحبه و جهت تحلیل از روش تحلیل تم (مضمون)، استفاده گردید. بر همین اساس و باهدف جمع‌آوری داده‌های کیفی، پس از بررسی ادبیات مرتبط با مبحث تحقیق، چارچوبی برای طرح پرسش‌های مصاحبه‌ها با خبرگان تدوین گردید. در ادامه، ۱۷ نفر از کارشناسان و خبرگان مرتبط با مبحث تحقیق در خانه‌سینما، خانه‌تئاتر، خانه‌موسیقی، کمیته اقتصاد فرهنگ اتاق بازرگانی تهران و همچنین مدیران و سرمایه‌گذاران بازار فرهنگ و هنر کشور، از طریق روش نمونه‌گیری قضاوتی، انتخاب شدند. در فاز دوم، مصاحبه‌های انجام‌شده با روش تحلیل تم استقرایی شش مرحله‌ای براون و کلارک^۳ (۲۰۰۶)، کدگذاری گردید. بر این اساس و در طی مرحله آشنایی با داده‌ها، شواهد گفتاری (۴۵ مورد) شناسایی شده از متن مصاحبه‌ها در قالب ۱۰ کد اولیه برچسب‌زنی شد. سپس، کدهای اولیه در قالب دو تم فرعی و سپس، یک تم اصلی دسته‌بندی شدند. در ادامه، به جهت آشنایی با مرحله کدگذاری، بخشی از مصاحبه انجام شده با یکی از مشارکت‌کنندگان، آورده شده است:

مشارکت کننده ۵: "... در همین حال، در دنیای گالری‌های خصوصی، این حس وجود دارد که قراردادهای تأمین مالی باید کاملاً محرمانه باشد تا فرصتی برای به دست آوردن یک کار و تداوم انحصار و سلسله‌مراتب پروژه هنری وجود داشته باشند. این عدم شفافیت بازار را در برابر سو استفاده از تقلب و جعل، تضاد منافع و تجارت داخلی آسیب‌پذیر کرده است. متأسفانه تعارض منافع در تعمیم مالی جمعی به دلیلی تعدد سرمایه‌گذاران بسیار شدید و چندلایه است که بخشی از آن در حوزه نظارتی است. نظارت باید مقتدرانه باشد تا توسعه‌ی مالی را گسترش دهد و زمینه‌ساز نابرابری را به صفر برساند. همانطور که بازار هنر تکامل می‌یابد و بیشتر جهانی و قابل دسترس می‌شود، شناخت رو به رشدی از اهمیت شفافیت و پاسخگویی بیشتر، نه تنها برای حفاظت از خالقان پروژه‌های هنری و تأمین کنندگان مالی، بلکه برای اطمینان از سلامت طولانی‌مدت و پایداری جهان هنر به عنوان یک کل ضروری است. یکی از مهم‌ترین تغییرات در بازار هنر در سال‌های اخیر، تغییر به سمت آنلاین بوده است. بازارها و تأمین مالی آنلاین در حالی که گالری‌های سنتی و حراج خانه‌ها هنوز نقش مهمی را ایفا می‌کنند، بیشتر و بیشتر گسترش یافته است. این روند هم به دلیل جهانی شدن بازار هنر و هم به دلیل پاندمی کرونا که بازدید از گالری‌های فیزیکی و یا شرکت در مزایده‌های زنده را برای بسیاری از مجموعه داران دشوار و یا غیرممکن

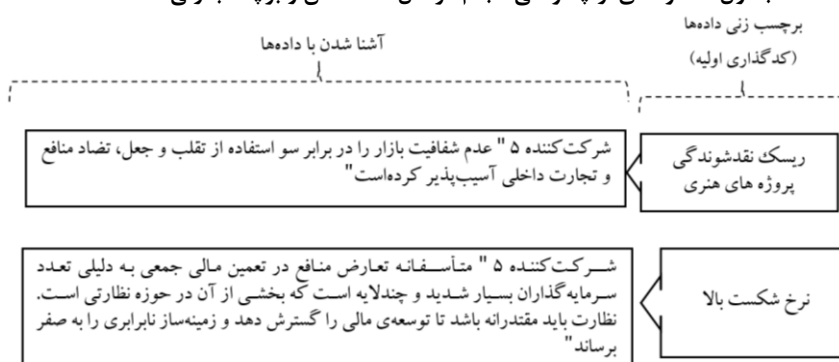
^۱ Partial least squares regression

^۲ Structural Equation Model

^۳ Braun & Clarke

ساخته است، شتاب گرفته است. بسیاری از گالری ها مجبور به حرکت آنلاین شدند و برچسب های قیمتی را در کنار آثار هنری خود قرار دادند، امری که قبلا در رویدادهای شخصی دیده نشده بود...".
نمونه ای از چگونگی انجام مراحل آشناسدن و برچسب زنی داده ها در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. نمونه ای از چگونگی انجام مراحل آشناسدن و برچسب زنی داده ها



خلاصه نتایج نهایی پژوهش حاضر (تحلیل تم)، به جهت رعایت اختصار در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲- خلاصه نتایج پژوهش حاضر در بخش تحلیل تم

کدگذاری اولیه	تم فرعی	تم اصلی
➤ ریسک تبدیل ایده به پروژه هنری	ریسک عوامل درونی پروژه هنری	ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری
➤ ریسک تعارض منافع بین خالقان پروژه های هنری و سرمایه گذاران		
➤ ریسک عدم شفافیت در قراردادهای پروژه هنری		
➤ ریسک کیفیت و منحصربه فرد بودن پروژه هنری		
➤ ریسک بازاریابی پروژه هنری		
➤ ریسک مدت زمان انجام پروژه هنری		
➤ ریسک نقدشوندگی پروژه هنری		
➤ ریسک فرهنگی	ریسک عوامل خارجی	
➤ ریسک اقتصاد کلان	هنری	
➤ ریسک مقررات و مسائل قانونی		

اعتباریابی نتایج تحقیق

در این بخش از تحقیق، نتایج بخش کیفی با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی (PLS)، مورد آزمون قرار می‌گیرد. در ابتدا آمار توصیفی و سپس آمار استنباطی منتج از تجزیه و تحلیل گزارش شده است. جدول ۳، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه شامل میانگین و انحراف معیار را نشان می‌دهد. نتایج توزیع افراد نمونه (۳۸۴ نفر) بر اساس نوع جنسیت افراد نشان داد که بیشترین افراد (۳۳۲ نفر) از نمونه آماری معادل ۵۸ درصد مرد می‌باشند. همچنین، بیشترین افراد (۱۸۹ نفر) از نمونه آماری معادل ۵۰ درصد دارای سن بالای ۳۵ سال و کمترین آن معادل ۶ درصد، بین ۲۸ تا ۳۰ سال سن می‌باشند (۲۵ نفر). از نظر تجربه کاری ۱۷ درصد از پاسخ‌دهندگان (۶۷ نفر) دارای مدت تجربه کاری ۵ تا ۱۰ سال، ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۴۴ نفر) دارای مدت زمان تجربه بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۱۵ نفر) از مدت تجربه ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۱ درصد از پاسخ‌دهندگان (۴۲ نفر) دارای مدت زمان تجربه بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۴ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۶ نفر) دارای مدت زمان تجربه بالای ۲۵ سال، برخوردارند. از نظر تحصیلات نیز ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۹۰ نفر)، کارشناسی و ۳۶ درصد از پاسخ‌دهندگان (۱۴۶ نفر)، دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان (۵۴ نفر)، دارای مدرک دکتری هستند.

جدول ۳- مشخصات پاسخ‌دهندگان

متغیرهای جمعیت شناختی	سطوح متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۳۳۲	۸۵
	زن	۵۸	۱۵
سن	۲۸ تا ۳۰ سال	۲۵	۶
	۳۵-۳۰	۱۷۰	۴۴
	بالای ۳۵ سال	۱۸۹	۵۰
تجربه کاری	۵ تا ۱۰ سال	۶۷	۱۷
	۱۰ تا ۱۵ سال	۱۴۴	۳۶
	۱۵ تا ۲۰ سال	۱۱۵	۲۹
	۲۰ تا ۲۵ سال	۴۲	۱۰
	بالای ۲۵ سال	۱۶	۴
تحصیلات	کارشناسی	۱۹۰	۴۹
	کارشناسی ارشد	۱۴۰	۳۷
	دکتری	۵۴	۱۴

در ادامه، برازش مدل‌های اندازه‌گیری از طریق سنجش بار عاملی و سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی واگرا، انجام شد. از آنجاکه تمامی گویه‌ها دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴، بودند، سوآلی حذف نگردید. مقادیر

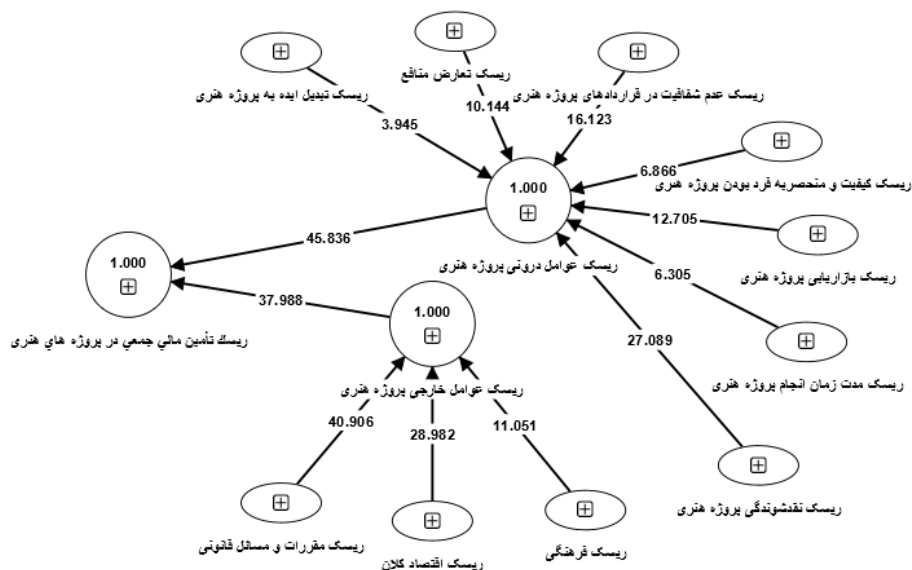
مربوط به ضریب پایایی ترکیبی برای تمامی سازه ها، بالاتر از ۰/۷، بوده و نشان از پایایی مناسب مدل دارد. علاقه براین، روایی همگرا به بررسی میزان همبستگی هر سازه با متغیرهای (شاخص ها) خود می پردازد. معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) محاسبه شده توسط نرم افزار PLS برای این منظور به کار می رود. مقدار مناسب برای AVE، ۰/۵ به بالا است. باتوجه نتایج که در جدول ۴، ارائه شده است، پایایی ترکیبی (AVE)، همگی در بازه مربوطه قرار گرفته اند، می توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی و همگرایی روابط بیرونی مدل پژوهش را تایید کرد.

جدول ۴- برازش مدل های اندازه گیری

روایی همگرا (AVA>0/5)	پایایی ترکیبی (Alpha>0/7)	
0/967	0/961	ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری
0/878	0/801	ریسک اقتصاد کلان
0/934	0/861	ریسک بازاریابی پروژه هنری
0/904	0/788	ریسک تعارض منافع بین خالقان پروژه های هنری و سرمایه گذاران
0/804	0/750	ریسک عدم شفافیت در قراردادهای پروژه هنری
0/953	0/938	ریسک عوامل خارجی پروژه هنری
0/958	0/941	ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/815	0/743	ریسک مدت زمان انجام پروژه هنری
0/942	0/907	ریسک مقررات و مسائل قانونی
0/962	0/940	ریسک نقدشوندگی پروژه هنری

همچنین، مدل پژوهش با استفاده از تکنیک حداقل مجذورات جزئی و با نرم افزار Smart Pls مورد آزمون قرار گرفت. در این مدل، تمامی روابط هم زمان مورد تحلیل قرار گرفتند. در ادامه مدل پژوهش در حالت ضرایب استاندارد شده (مقدار t) ارائه شده است (شکل ۱).

با توجه به مدل برازش داده شده شکل ۱، مقدار آماره t ، برای تمامی فرضیه ها بیشتر از ۱/۹۶ و میزان احتمال آماره مذکور کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، در محدوده قابل قبول قرار می گیرد. بر همین اساس، با توجه به مدل برازش داده شده؛ ضرایب مسیر، انحراف استاندارد، آماره T و مقدار احتمال (P) به صورت جدول ۶ است. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ۵، آماره T ، معنی دار بودن روابط متغیرهای مدل را نشان می دهد، زیرا مقدار احتمال این آماره کمتر از ۰/۰۵ است. به عبارت دیگر آزمون معنی داری ضرایب مسیر، نشان می دهد که همه مسیرها از نظر آماری معنادار و اثر آنها تأیید می شود. این موضوع بدین معنی است که مؤلفه های تدوین شده در تحقیق با توجه به مسیرهای فوق، از قابلیت اعتماد مناسبی برخوردار هستند.



شکل ۱-آزمون مدل پژوهش در حالت ضرایب استانداردشده (مقدار t)

جدول ۵. نتایج اجرای مدل ساختاری

مقادیر احتمال	آماره T	انحراف استاندارد	ضرایب مسیر	
0/000	28/982	0/013	0/375	ریسک اقتصاد کلان -> ریسک عوامل خارجی پروژه هنری
0/000	12/705	0/017	0/214	ریسک بازاریابی پروژه هنری -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/000	3/945	0/016	0/062	ریسک تبدیل ایده به پروژه هنری -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/000	10/144	0/020	0/207	ریسک تعارض منافع بین خالقان پروژه های هنری و سرمایه-گذاران -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/000	16/123	0/013	0/203	ریسک عدم شفافیت در قراردادهای پروژه هنری -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/000	37/988	0/012	0/460	ریسک عوامل خارجی پروژه هنری -> ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری
0/000	45/836	0/013	0/597	ریسک عوامل درونی پروژه هنری -> ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری
0/000	11/051	0/013	0/139	ریسک فرهنگی -> ریسک عوامل خارجی پروژه هنری
0/000	6/305	0/025	0/156	ریسک مدت زمان انجام پروژه هنری -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/000	40/906	0/014	0/568	ریسک مقررات و مسائل قانونی -> ریسک عوامل خارجی پروژه هنری
0/000	27/089	0/015	0/401	ریسک نقدشوندگی پروژه هنری -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری
0/000	6/866	0/014	0/094	ریسک کیفیت و منحصر به فرد بودن پروژه هنری -> ریسک عوامل درونی پروژه هنری

نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

تحقیق حاضر تلاش نمود تا ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری را در قالب عوامل داخلی و خارجی شناسایی و تفکیک نماید. همانگونه که بیان شد، تبدیل ایده به پروژه هنری از جمله ریسک‌ها داخلی پروژه‌های هنری است. در همین رابطه و به جهت تبدیل ایده به پروژه هنری به مواردی باید توجه نمود. در نظر داشتن موضوع برای اثر، تعریف موضوع به صورت داستان به همراه نقطه شروع و نتیجه گیری؛ اجتناب از انتخاب موضوعات تکراری حتی اگر نوع تکنیک بکاررفته در آن‌ها متفاوت باشد و نیز توجه به مراحل نظیر ویرایش، ترکیب بندی، تکنیک و انتخاب ابزار درست (حسیه^۱، ۲۰۱۸). افزون بر این، اینکه از این ایده یک اثر هنری پس از پایان ایجاد و یا از نتایج آن استقبال می‌شود یا خیر، با عدم قطعیت بالایی همراه است. لذا، به خاطر ریسک بالا، ممکن است سرمایه‌گذاران جمعی رغبتی به تأمین مالی پروژه نداشته باشند. به نظر می‌رسد پروژه‌هایی که به خوبی آماده و تدوین شده‌اند، حامیان بیشتری را در میام مردم جذب می‌کنند، کیفیت مطالب و محتوای اولیه منتشر شده نیز در ملاقات یا معرفی پروژه به سرمایه‌گذاران جمعی نشان‌دهنده تعهد خالقان پروژه های هنری به اجرای موفق پروژه است. همچنین، تصویر روشنی از خود ارائه می‌دهد، عدم تقارن اطلاعاتی و مساله عدم اعتماد بالقوه در میان سرمایه‌گذاران را از بین می‌برد چراکه این تصویر را بوجود می‌آورد که ایده هنری مطروحه می‌تواند اجرا شود و احتمال موفقیت بالایی دارد

تعارض منافع بین خالقان پروژه های هنری و سرمایه‌گذاران از جمله ریسک‌ها داخلی پروژه‌های هنری است. ظهور تأمین جمعی امیدهای زیادی برای دموکراتیزه کردن امور مالی و کارآفرینی ایجاد کرده است. پیش بینی می‌شد که بودجه مبتنی بر جامعه می‌تواند جایگزینی برای بازارهای مالی سنتی و دولت‌ها باشد. امید می‌رفت که از طریق جایگاه‌های تأمین مالی جمعی آنلاین، سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس و نوآورانه در حوزه هنری بتوانند به مجموعه بزرگی از سرمایه‌گذاران دسترسی داشته باشند (سیمپسون و دیگران^۲، ۲۰۲۱). تعداد زیادی از خالقان پروژه‌های هنری صرفاً هنرمندان انفرادی، مؤسسات فرهنگی کوچک و تولیدکنندگان خاص هستند که علاوه بر آثار هنری، مشاغل ثابتی دارند و تأمین مالی آنها از آشنایان، دوستان و خانواده نزدیک است. بسیاری از حامیان نیز مشتاقان پروژه های جامعه محور، غیرانتفاعی و فعالیت های خیریه در حوزه هنر هستند، همانطور که ادبیات قبلی نیز نشان می‌دهد (الخو و دیگران^۳، ۲۰۲۰). این سناریو بیشتر شبیه اقتصاد هنر است که در آن ساختارهای چند شغله، کمبود بودجه، عرضه بیش از حد کالاهای خلاقانه با مدارهای اقتصاد هدیه‌محور در هم آمیخته می‌شود. در این رابطه می‌توان استدلال نمود که منافع خاص به دست آمده از مزایای بخشی از خالقان پروژه‌های هنری و عدم تخصیص آن به سرمایه‌گذاران مالی موجب بوجود آمدن تعارض شدید آنها با تأمین مالی کنندگان عمده می‌شود. همچنین، تعارض منافع در تأمین مالی جمعی به دلیلی تعدد سرمایه‌گذاران بسیار شدید و چندلایه است که همانگونه که که خبرگان هنری ابراز نمودند، بخشی از آن در حوزه نظارتی است. نظارت باید مقتدرانه باشد تا توسعه‌ی مالی را گسترش دهد و زمینه‌ساز نابرابری را به صفر برساند. به طور کلی، اگر طرح پروژه

¹ Hsieh

² Simpson et al

³ Alexiou et al

هنری به خوبی تدوین شود و صرفاً با یک نمودار و یا نام بازیگران و عوامل تئاتر یا فیلم برنامه‌ریزی نگردد؛ تعارض منافع چه به جهت مالی و چه غیر مالی به حداقل می‌رسد و سرمایه‌گذار بیشتر و با سرمایه بالاتر جذب پروژه شد. عدم شفافیت در قراردادهای پروژه هنری از جمله ریسک‌ها داخلی پروژه‌های هنری است. شفافیت به عنوان کلیدواژه‌ای اساسی بازار هنر در زمان‌های اخیر ظاهر شده است، زیرا شیوه‌های سنتی غیرشفاف دنیای هنر به چالش کشیده شده است. تقاضا برای باز بودن و مسئولیت‌پذیری بیشتر از همه بخش‌های دنیای هنر، از جمله هنرمندان، مجموعه‌داران و خریداران افزایش یافته است. شفافیت یک عنصر حیاتی در یک بازار هنری سالم و پایدار است. بازار هنر در سال‌های اخیر رسوایی‌های ناعادلانه‌ای را تجربه کرده است و این امر بر نیاز به شفافیت و پاسخگویی بیشتر در این صنعت تأکید دارد. با توجه به تعداد مواردی که ظاهر شده است، جای تعجب نیست که تأمین‌کنندگان مالی جمعی که عموماً مردم عادی هستند نیاز به تأیید مجدد اعتماد در بازار هنر را احساس کنند. در حالی که مطالعات نشان می‌دهد که اکثر مجموعه‌داران و یا خالقان پروژه‌های هنری هنوز از تجربه حضوری و مشاهده فیزیکی آثار لذت می‌برند، شواهدی از پذیرش و استفاده بیشتر از فروش و نمایشگاه‌های آنلاین وجود دارد. بازارهای آنلاین چندین مزیت از جمله راحتی بیشتر و دسترسی به طیف وسیع‌تری از هنرمندان و آثار را ارائه می‌دهند. با این حال، آنها همچنین مجموعه جدیدی از چالش‌ها را در مورد شفافیت ارائه می‌دهند. تأمین‌کنندگان مالی و خریداران باید بتوانند اطمینان داشته باشند که اطلاعات دریافتی معتبر است و منشأ، شرایط و اصالت آن به طور کامل توسط متخصصان بازار بررسی شده است. تأمین‌کنندگان مالی همچنین باید مطمئن باشند که پلتفرم مورد استفاده برای اهداف تأمین مالی و حفظ حریم خصوصی امن و قابل اعتماد است (آرچر^۱، ۲۰۱۱). در همین رابطه می‌توان اینگونه استدلال نمود که قراردادهای پروژه‌های هنری در راستای رسیدن به اهداف خویش همواره با عدم قطعیت‌هایی روبرو هستند که صرفاً با کنترل و پاسخگویی شفاف به آنها می‌توان به تبیین تعهدات و اختیارات طرفین قرارداد پرداخت. از آنجا که شرایط انعقاد یک قرارداد می‌تواند تضمین‌کننده اجرای آن به شمار رود، لازم است که توجه خاصی به ریسک‌های خاص مرتبط عدم شفافیت قراردادهای تأمین مالی جمعی در پروژه‌های هنری مبذول گردد. با این حال، حضور ریسک عدم شفافیت در مراحل مختلف پروژه‌های هنری از یافتن طرف مقابل (سازنده و سرمایه‌گذار)، مذاکرات مقدماتی و نهایتاً انعقاد و اجرای قرار داد، امری غیر قابل اجتناب و بدیهی است. چرا که شفافیت صد درصدی و اشتراک‌گذاری موضوعات اختصاصی و جزئیات مالی و پر مالی به صدها سرمایه‌گذاران جمعی، صاحبان پروژه را در معرض ریسک بالایی قرار می‌دهد چراکه ممکن است دسترسی رقبا به این اطلاعات تسهیل شود

ریسک کیفیت و منحصر به فرد بودن پروژه هنری از جمله ریسک‌ها داخلی پروژه‌های هنری است. سرمایه‌گذاری بر روی ایده‌های منحصر به فرد پروژه هنری می‌تواند به طرز شگفت‌آوری چالش برانگیز باشد. بالاترین هدف یک هنرمند این است که ایده‌های خود را در مورد کیفیت درک کند، با آنها رشد کند و آنها را گسترش دهد. استانداردهای کیفیت پروژه هنری تغییر می‌کند و گاهی اوقات با یکدیگر در تضاد هستند. برخی از آثار باید فریاد بزنند، در حالی که برخی دیگر باید سکوت کنند. برخی از کارها باید هر دو را انجام دهند. افزون بر این، چیزی

¹ Archer

که می تواند ایده های متفاوتی از کیفیت را بدون مخالفت یا تضاد در خود بگنجانند، آهسته و در عین حال چابک، بسته و در عین حال باز بودن اثر هنری است. ممکن است تمرکز پروژه هنری به سرعت و تحرک کامل تغییر کند و بعداً به تمرکز اولیه بازگردد. لذا، استانداردهای کیفیت همیشه در حال تغییر هستند. آنها در حالات و مراحل مختلف پروژه تغییر شکل دهند و پتانسیل شگفتی های بی پایان را به همراه داشته باشند. تحقیقات قبلی (مانند: زوران و بوچلی^۱، ۲۰۱۳) نیز نشان می دهند پروژه هایی که دیدگاه ها یا دانش های جدیدی را به ارمغان می آورند، برای حامیانی که از مشارکت و حمایت از پروژه های خلاقانه لذت می برد، جذاب تر است. یک پروژه با کیفیت و منحصر به فرد، حامیان هیجان زده را تشویق می کند تا آن را در حلقه اجتماعی خود گسترش دهند، بنابراین توجه بیشتری را از طرفداران بالقوه برای تأمین مالی جمعی جلب می کند.

بازاریابی پروژه هنری نیز از جمله ریسک ها داخلی شناسایی شده در پروژه های هنری است. رابطه بین هنر و بازار یک رابطه پیچیده است، به این معنی که بازاریابان هنر باید به طیفی از مسائل توجه کنند که ممکن است به یک شکل یا به همان میزان در بازاریابی محصول متعارف ایجاد نشود (چرنیش^۲، ۲۰۱۹). مساله بازاریابی هنر از ضروریات امروز جامعه هنر و چرخه اقتصاد هنر شده است که بدون آن در اغلب موارد انگیزه خلق اثر هنری با چالش مواجه شد؛ این در حالی است که چنین موضوعی همانند سایر فعالیت ها در جهان آزاد؛ کمتر با محدودیت ها قرابت دارد؛ تا در کشور ما که از لحظه خلق تا ادامه حیات، اثر هنری با انواع تنگناها دست و پنجه نرم می کند. بدیهی است که بازاریابی بخش مهمی از تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری است و در عین حال، به حذف عدم تقارن اطلاعاتی بین خالقان پروژه های هنری و تأمین کنندگان جمعی کمک می کند. امروزه، اکثر خالقان پروژه های هنری پروژه های هنری از نقش رسانه های اجتماعی برای تبلیغ برند یا تبلیغ پروژه های خود مانند یوتیوب یا اینستاگرام آگاه هستند. خالقان پروژه های هنری از طریق رسانه های اجتماعی به طور مستقیم با تأمین کنندگان بالقوه ارتباط برقرار می کنند و ریسک بازاریابی را بدون واسطه هایی که بازیگران کلیدی در حالت سنتی هستند، کاهش می دهند. اکثر خالقان پروژه های هنری جمعیت را تشویق می کنند تا پروژه را در رسانه های اجتماعی شخصی خود بدون توجه به تصمیمات سرمایه گذاری خود باز نشر دهند. این امر هم به گسترش تأمین مالی جمعی پروژه کمک می کند و هم با کاهش هزینه های بازاریابی، ریسک عدم موفقیت بازاریابی در این حوزه را کاهش خواهد داد.

مدت زمان انجام پروژه هنری از جمله ریسک ها داخلی پروژه های هنری است. شواهد مشابهی در ادبیات (به عنوان مثال دانچنکو و دیگران^۳، ۲۰۲۱) نشان می دهد که بسیاری از خالقان پروژه های هنری پروژه های هنری ریسک مدت زمان انجام پروژه هنری را دست کم می گیرند. در فرایند اجرای یک پروژه هنری و در هر مرحله از کار تأمین مالی جمعی، چالش های زمانی مختلفی برای خالقان پروژه های هنری وجود دارد. به عنوان مثال، آماده سازی منابع و افراد و یا بازاریابی می تواند وقت گیر باشد. لذا، در فرایند اجرای پروژه هنری، خالقان پروژه های هنری متعهد هستند تا اطمینان ایجاد کنند که هر چیزی به موقع آماده و منتشر شد در عین حالی که مراحل از پیش روشن و دقیق با توجه عالی به جزئیات تدوین شده است. چراکه مردم نمی خواهند در پروژه ای سرمایه گذاری کنند که زمان

¹ Zoran & Buechley

² Chernysh

³ Danchenko et al

پایان آن مشخص نیست برای اینکه مردم برای تامین مالی پروژه‌های خلاقانه هنری تشویق شوند، باید زمان به سرانجام رسیدن آن را کوتاه و مشخص باشد تا بدین وسیله ریسک مدت زمان انجام پروژه هنری پوشش داده شود. نقدشوندگی پروژه هنری نیز از جمله ریسک‌ها داخلی پروژه‌های هنری است. سهولت معامله یک اثر هنری به عوامل متعددی بستگی دارد که با تعادل عرضه/تقاضا برای آثار هنرمندی که آن را خلق کرده و کمیاب بودن و منحصر به فرد بودن اثر مورد نظر شروع می‌شود. اما، در واقعیت، حتی اگر یک شاهکار کمیاب به سختی فروخته شود، تعداد کمی از مجموعه‌داران می‌توانند در حراج آن شرکت کنند یا ارزش آن بسیار نامشخص است (کرولی^۱، ۲۰۱۹). بنابراین، یکی از ریسک‌های مالی اصلی در عملیات تامین مالی ریسک نقدشوندگی است. پروژه‌های هنری شرایط متفاوتی در فروش محصول خود دارند که این ریسک را به مراتب افزایش می‌دهند. در واقع، سرمایه‌گذاری جمعی از جمله سرمایه‌گذاری‌های بسیار غیر نقدشونده در نظر گرفته می‌شوند. چراکه گزینه‌های خروج در تامین مالی جمعی پروژه هنری محدود هستند و به طور واقعی وجود ندارند، نمی‌شود پروژه نیمه کاره را نقد نمود. افزون بر این، هانطور که در مورد سرمایه‌گذاران سنتی سرمایه‌گذاری خطرپذیر وجود دارد، سرمایه‌گذاران تامین مالی جمعی در پروژه‌های هنری نیز ممکن است مجبور باشند چندین سال منتظر بمانند تا سرمایه‌گذاری آنها به نتیجه برسد.

ریسک فرهنگی نیز از جمله ریسک‌ها خارجی شناسایی شده در پروژه‌های هنری است. فاصله فرهنگی به میزان تفاوت هنجارها و ارزش‌های مشترک در یک منطقه با مناطق دیگر اشاره دارد. با این وجود تأثیر مسائل فرهنگی، بحث‌های بسیار محدودی در ادبیات تامین مالی جمعی به این موضوع اختصاص یافته است. به طور استثنایی، بورچ و همکاران^۲ (۲۰۱۴) نشان دادند که تفاوت‌های فرهنگی نقش بازدارنده قابل توجهی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران جمعی ایفا می‌کند. نویسندگان، این امر را به عنوان یک اثر آگاهی تفسیر می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند که تفاوت‌های فرهنگی تنها تا حدی مرتبط هستند که حامیان از آنها آگاه باشند. در نتیجه، زمینه‌های فرهنگی خالق پروژه هنری و حامیان برای تصمیمات تامین مالی برجسته می‌شوند. این امر کاملاً با نتایج تحقیق چوآ و همکاران^۳ (۲۰۱۵) سازگار است که فاصله فرهنگی یکی از سه ویژگی فرهنگی به ویژه در درک ایده‌ها یا راه‌حل‌های خلاقانه در یک پروژه هنری است. در همین رابطه می‌توان اینگونه اظهار نمود که بخاطر مسائل فرهنگی برخی پروژه‌ها توانایی تامین مالی چندانی ندارند. بطور مثال قشر خاصی از مردم به نقاشی و خرید آثار مرتبط تمایل دارند. همچنین، هنرمندان فردی نگرانی‌های بیشتری را پیرامون موانع مرتبط با فرهنگ ابراز کرده‌اند و مشکلات بیشتری نسبت به سازمان‌های بزرگ پیدا نموده‌اند.

ریسک اقتصاد کلان نیز از جمله ریسک‌ها خارجی شناسایی شده در پروژه‌های هنری است. با این وجود تأثیر اقتصاد کلان، در ادبیات تامین مالی جمعی به طور شگفت‌آوری نادیده انگاشته شده است. با این وجود تحقیق حاضر اینگونه استدلال می‌کند که سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان، مقدار خریداری شده از کالاها در واحد زمان است که مصرف نمی‌شوند اما برای تولید در آینده استفاده می‌شوند لذا، این تئوری در ریسک تامین مالی جمعی

¹ Cerulli

² Burtch et al

³ Chua et al

پروژه های هنری که نوعی تأمین مالی مدت دار است صادق است و ریسک های آن تسری می یابد. بطور مثال، تحریم های اقتصادی و به طبع آن تورم به پروژه های هنری نیز تسری یافته و هزینه ها را افزایش می دهد. بطور کلی، احتمال افزایش هزینه های تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری با توجه عدم ثبات و تغییر در سیاست اقتصادی دور از انتظار نیست.

مقررات و مسائل قانونی از جمله ریسک ها خارجی شناسایی شده در پروژه های هنری است. اگرچه اخیراً قوانین جدیدی برای تأمین مالی در پروژه های هنری و فرهنگی وضع شده، با این وجود، میزانی از عدم قطعیت با توجه به اعمال برخی قوانین، وجود دارد. تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری هنوز در ابتدا راه قرار داشته و جدید است. از این رو، برخی از کشورها اخیراً مقرراتی را در مورد چنین روش های جمع آوری سرمایه تصویب کرده اند (مانند: استرالیا^۱، ۲۰۲۳)، در حالی که سایر کشورها از جمله ایران فقط مقررات عمومی را وضع نمودند ولی عملاً اجرا نمی شود. به طور مثال، در حالی که خالقان پروژه های هنری باید بسیاری از جزئیات و اطلاعات مربوط به کار خود را در مراحل اولیه برای جذب حامیان افشا کنند، این باعث افزایش مسائل مربوط به کپی رایت می شود. در این موارد، جالب است که خالقان پروژه های هنری نگرانی هایی در مورد کپی شدن دارند، اما به عنوان یک مسئله بزرگ در روند راه اندازی پروژه های سرمایه گذاری جمعی ظاهر نشده است. خالقان پروژه های هنری از روش های مختلفی برای جلوگیری از سوء استفاده از کار خود توسط اقدامات غیرقانونی استفاده کردند. بطور کلی، یافته های پژوهش حاضر می تواند برای توسعه نظریات مرتبط با تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، از جمله کاربردهای عملی این تحقیق، می توان به استفاده از نتایج این تحقیق اعم از مدل و پاسخی که به سوالات داده می شود و همچنین راهکارهای پیشنهادی جهت مدیریت ریسک تأمین مالی جمعی در پروژه های هنری اشاره نمود. افزون بر این، نتایج تحقیق حاضر می تواند مورد استفاده کلیه سرمایه گذاران، کارآفرینان و پژوهشگران در حوزه های تأمین مالی و پروژه های هنری، قرار گیرد.

فهرست منابع

- ازنب، الهام؛ کریمی، اصف؛ و مهرنوش، مینا. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل تاثیرگذار بر موفقیت رفتار تأمین مالی جمعی (مورد مطالعه: خانه سرمایه گذاری). مدیریت فرهنگ سازمانی، ۶۰(۱۹)، ۳۵۳-۳۷۵.
- ایروانی، حمیدرضا؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ یزدانیان، نرگس؛ و کردلوئی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). مدل سازی ریسک ساختار تأمین مالی مطابق تئوری تصمیم احتمالی از طریق ANP. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۴۷(۱۲)، ۳۶۸-۳۸۹.
- بازرگان هرنندی، عباس؛ حجازی، الهه؛ و سرمد، زهره. (۱۳۹۷). روش های تحقیق در علوم رفتاری. آگه. حامدی، میثم. (۱۳۹۷). تأمین مالی جمعی فرآیندی آمیخته با ریسک. روزنامه جهان صنعت.
- Chou, Shu-Ching; Cheng, Yu-Hsiu; & Martia, Dina Yeni. (2022). Fundraising policies in cultural and creative industries: public stock market and crowdfunding channels. *International Journal of Cultural Policy*, 0(0), 1-25. <https://doi.org/10.1080/10286632.2021.2011253>

¹ Australia

- Keyhani, Mohammad; Neyshabouri, Safaneh Mohaghegh; & Amereii, Abbas Hosseini. (2020). Crowdfunding Canadian Theatre: An Exploratory Analysis of Kickstarter Data with US Comparison. *Artivate*, 9(1), 99-129. <https://doi.org/10.1353/artv.2020.0003>
- Lazzaro, Elisabetta; & Noonan, Douglas. (2021). A comparative analysis of US and EU regulatory frameworks of crowdfunding for the cultural and creative industries. *International Journal of Cultural Policy*, 27(5), 590-606. <https://doi.org/10.1080/10286632.2020.1776270>
- Ahlers, Gerrit KC; Cumming, Douglas; Günther, Christina; & Schweizer, Denis. (2015). Signaling in equity crowdfunding. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(4), 955-980.
- Alexiou, Kostas; Wiggins, Jennifer; & Preece, Stephen B. (2020). Crowdfunding acts as a funding substitute and a legitimating signal for nonprofit performing arts organizations. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 49(4), 827-848.
- Archer, Hazel. (2011). Defining Transparency In The Art Market. Retrieved May 18, 2023, from <https://www.myartbroker.com/investing/articles/transparency-in-the-art-market>
- Arenas, Alvaro; Goh, Jie Mein; & Podar, Manan. (2015). A work-systems approach to classifying risks in crowdfunding Platforms: an exploratory analysis.
- Australia. (2023). Percent for Art Scheme. Retrieved May 17, 2023, from <https://www.wa.gov.au/organisation/department-of-finance/percent-art-scheme>
- Belleflamme, P; Lambert, T; & Schwienbacher, A. (2013). Individual crowdfunding practices. *Ventur Cap* 15 (4): 313-333.
- Belleflamme, Paul; Lambert, Thomas; & Schwienbacher, Armin. (2014). Crowdfunding: Tapping the right crowd. *Journal of Business Venturing*, 29(5), 585-609.
- Braun, Virginia; & Clarke, Victoria. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Burtch, Gordon; Ghose, Anindya; & Wattal, Sunil. (2014). Cultural differences and geography as determinants of online prosocial lending. *Mis Quarterly*, 38(3), 773-794.
- Cerulli, Lorenza. (2019). the Global Art Market's Analysis: Chinese Perspective and E-Commerce Cases .
- Chernysh, Oleksandra. (2019). Marketing technology in design. Presented at the Інноваційні тенденції підготовки фахівців в умовах полікультурного та мультилінгвального глобалізованого світу, Київський національний університет технологій та дизайну.
- Chua, Roy YJ; Roth, Yannig; & Lemoine, Jean-François. (2015). The impact of culture on creativity: How cultural tightness and cultural distance affect global innovation crowdsourcing work. *Administrative Science Quarterly*, 60(2), 189-227.
- Connelly, Brian L; Certo, S Trevis; Ireland, R Duane; & Reutzell, Christopher R. (2011). Signaling theory: A review and assessment. *Journal of Management*, 37(1), 39-67.
- Danchenko, Elena; Rybalko, Iryna; Zarutskyi, Serhii; & Bielova, Olena. (2021). Review and Classification of Art-Projects' Features as Risk Factors. *Bulletin of NTU "KhPI". Series: Strategic Management, Portfolio, Program and Project Management*, (1(3)), 16-23. <https://doi.org/10.20998/2413-3000.2021.3.3>
- Ellman, Matthew; & Hurkens, Sjaak. (2019). Fraud tolerance in optimal crowdfunding. *Economics Letters*, 181, 11-16.
- Gurler, Cem; & caglar, Mehmet. (2021). Success prediction of a crowdfunding project in art categories. In *Crowdfunding in the Public Sector* (pp. 147-166). Springer.
- Hsieh, Chia-Ying. (2018). Developing design through a creative problem-solving process: A group community art project. *International Journal of Art & Design Education*, 37(3), 541-553.
- Kgoroadira, Reabetswe; Burke, Andrew; & van Stel, André. (2019). Small business online loan crowdfunding: who gets funded and what determines the rate of interest? *Small Business Economics*, 52(1), 67-87.
- Liang, Ting-Peng; Wu, Shelly Ping-Ju; & Huang, Chih-chi. (2019). Why funders invest in

- crowdfunding projects: Role of trust from the dual-process perspective. *Information & Management*, 56(1), 70-84.
- Lin, Wenjun; & Phillips, Robert A. (2017). Success factors and barriers for crowdfunding campaigns for arts-based projects in the UK. *IUP Journal of Entrepreneurship Development*, 14(3), 45-65.
- Marrone, Mauricio; & Hazelton, James. (2019). The disruptive and transformative potential of new technologies for accounting, accountants and accountability: A review of current literature and call for further research. *Meditari Accountancy Research*.
- Meoli, Michele; Rossi, Alice; & Vismara, Silvio. (2020). Financial literacy and security-based crowdfunding. *Corporate Governance: An International Review*.
- Motylska-Kuzma, Anna. (2018). Crowdfunding and sustainable development. *Sustainability*, 10(12), 4650.
- Ordanini, Andrea; Miceli, Lucia; Pizzetti, Marta; & Parasuraman, Anantharathan. (2011). Crowdfunding: transforming customers into investors through innovative service platforms. *Journal of Service Management*.
- Piva, Evila; & Rossi-Lamastra, Cristina. (2018). Human capital signals and entrepreneurs' success in equity crowdfunding. *Small Business Economics*, 51(3), 667-686.
- Ralcheva, Aleksandrina; & Roosenboom, Peter. (2019). Forecasting success in equity crowdfunding. Available at SSRN 3260140.
- Ralcheva, Aleksandrina; & Roosenboom, Peter. (2020). Forecasting success in equity crowdfunding. *Small Business Economics*, 55(1), 39-56.
- Rubinstein, Ariel; & Salant, Yuval. (2006). A model of choice from lists. *Theoretical Economics*, 1(1), 3-17.
- Schwienbacher, Armin. (2018). Entrepreneurial risk-taking in crowdfunding campaigns. *Small Business Economics*, 51(4), 843-859.
- Shafi, Kourosh. (2021). Investors' evaluation criteria in equity crowdfunding. *Small Business Economics*, 56(1), 3-37.
- Simpson, Bonnie; Schreier, Martin; Bitterl, Sally; & White, Katherine. (2021). Making the world a better place: How crowdfunding increases consumer demand for social-good products. *Journal of Marketing Research*, 58(2), 363-376.
- Stack, Peter; Feller, Joseph; O'Reilly, Phillip; Gleasure, Rob; Li, Shangping; & Cristoforo, Jerry. (2017). Managing risk in business centric crowdfunding platforms (pp. 1-4). Presented at the Proceedings of the 13th International Symposium on Open Collaboration.
- Tajik, Amir; & Yazdani, Hamid Reza. (2023). Providing a Framework for Crowdfunding in the Film Industry of the Islamic Republic of Iran. *Asset Management and Financing*. <https://doi.org/10.22108/amf.2023.137075.1786>
- Valaskova, Katarina; Kliestik, Tomas; & Kovacova, Maria. (2018). Management of financial risks in Slovak enterprises using regression analysis. *Oeconomia Copernicana*, 9(1), 105-121.
- Vismara, Silvio. (2019). Sustainability in equity crowdfunding. *Technological Forecasting and Social Change*, 141, 98-106.
- Vulkan, Nir; Åstebro, Thomas; & Sierra, Manuel Fernandez. (2016). Equity crowdfunding: A new phenomena. *Journal of Business Venturing Insights*, 5, 37-49.
- Wasiuzzaman, Shaista; Lee, Chong Lee; Boon, Ong Hway; & Chelvam, Hemalatha Pannir. (2021). Examination of the motivations for equity-based crowdfunding in an emerging market. *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 16(2), 63-79.
- Zaggl, Michael A; & Block, Joern. (2019). Do small funding amounts lead to reverse herding? A field experiment in reward-based crowdfunding. *Journal of Business Venturing Insights*, 12, e00139.
- Zoran, Amit; & Buechley, Leah. (2013). Hybrid reassemblage: an exploration of craft, digital fabrication and artifact uniqueness. *Leonardo*, 46(1), 4-10.

Identification and modeling of factors affecting the risk of collective financial provision in art projects based on the combined approach of theme analysis and partial least squares in SEM.

Mina Dehghani Najvani

PhD student, Department of Management, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran.
Dehghanimina92@gmail.com

Hoda hemmati

Assistant Professor, Department of Management and Accounting, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran. (Corresponding author)
Hemmati.hoda@gmail.com

Neda Farahbakhsh

Assistant Professor, Department of Management and Accounting, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran.
Neda_farahbakhsh@yahoo.com

Abstract

The purpose of this research is to identify and model the risk of crowdfunding in art projects based on the combined approach of theme analysis and partial least squares in SEM. In the qualitative part of this research, using the purposeful method of judgment, the opinions of 17 experts related to the research topic in the cinema house, the theater house, the music house, the cultural economy committee of the Tehran Chamber of Commerce and also the managers and investors of the culture and art market of the country are used. became. Also, in the statistical part of the research and based on the power analysis method, the opinions of 384 experts related to the research topic were used in all art projects of the country. The process of data analysis was carried out in two stages, which includes identifying the risk of crowdfunding in art projects through interviews and using the method of theme analysis and examining relationships, fitting and validating the research model through questionnaire tools and equation modeling. It is a structure with a partial least squares approach. The results of the research showed that the risk of collective financial provision in art projects is divided into two main parts. The risk of the internal factors of the art project includes the risk of turning an idea into an art project, the risk of conflict of interests between the creators of art projects and investors, the risk of lack of transparency in art project contracts, the risk of the quality and uniqueness of the art project, the risk of marketing the art project, The risk of the duration of the art project, the risk of liquidity of the art project, and the risk of external factors of the art project include cultural risk, macroeconomic risk, and the risk of regulations and legal issues.

Keywords: financing risk, crowdfunding, art